



باشد که بگویم سلیقه سینمایی من با همین مجلات و ماهنامه‌های سینمایی شکل گرفت. یعنی ظرفیتی بود که خیلی‌ها را به سمت آینده مورد علاقه‌شان سوق داد.

بر اساس تاکید خودتان مجلات سینمایی نقش مهمی در شکل‌گیری ذهن سینمایی شما داشته‌اند. برداشت درستی است؟

کاملاً درست می‌فرمایید. من بچه‌ی شهرستان بودم؛ در خوزستان بزرگ شدم، در شهرهایی مانند اهواز، آبادان، مسجدسلیمان و آقاجری. آن زمان امکان تماشای فیلم‌های خاص یا هنری در شهر ما وجود نداشت. اساساً سینمایی که فیلم‌های متفاوت یا هنری را نمایش دهد، در دسترس نبود. اما یک عامل مهم و تأثیرگذار مسیر مرا تغییر داد: مجله‌ی نشریاتی مثل «سینما ۵۱»، «سینما ۵۲» و بعدها «۵۳» و «۵۴» که توسط وزارت فرهنگ وقت منتشر می‌شد، برای من حکم دانشگاه را داشتند. در این مجلات تحلیل‌های جدی درباره‌ی فیلم‌سازی چون آنتونی مان، ژان-لوک گدار، نیکلاس ری و سینمای کلاسیک آمریکا وجود داشت. من از طریق این مجلات، به‌طور غیرمستقیم با سینما آشنا شدم و مسیر فکری‌ام شکل گرفت.

یعنی پیش از آن‌که در دوران دانشجویی‌تان در خارج از کشور، فیلم‌های این فیلم‌سازان را روی پرده ببینید، از طریق نوشته‌ها و مقالات با آن‌ها آشنا شدید؟

دقیقاً همین‌طور بود. بعدها زمانی که در آمریکا دانشجویم بودم، موفق شدم فیلم‌های این فیلم‌سازان را در سالن‌های هنری ببینم. آن‌جا تازه فهمیدم آن‌ها که بودند، چه کارهایی کرده بودند و چقدر تأثیرگذار بودند. اما بذر علاقه و شناخت، سال‌ها قبل از آن، به واسطه همان مجلات کاشته شده بود.

پس به نظر شما، مجله می‌تواند حتی برای کسانی که در پایتخت زندگی نمی‌کنند یا به سینماهای خاص دسترسی ندارند، ابزار مهمی برای پیوند با سینمای جدی باشد؟

بی‌تردید. امروز هم باید همین مسیر را ادامه داد. باید جوان‌ها را از طریق نشریات با سینمای جدی جهان آشنا کنیم؛ مثلاً با فیلم‌های جیم جارموش، هال هارتلی یا حتی سینمای اروپای شرقی. به‌جای این که مدام به تحلیل سریال‌های سطحی بچسبیم، باید سراغ مباحث تئوریک، زیبایی‌شناسی، روایت و تحلیل ساختاری آثار سینمایی برویم. ما باید برای مخاطب، معنا و تحلیل بسازیم، نه فقط گزارش و بازنشر. اگر ادبیات سینمایی جدی گرفته شود، هنوز هم می‌تواند اثرگذار باشد و حتی معجزه کند.

حالا که صحبت به مسئله آموزش و آگاهی رسید، به نظر شما یک ماهنامه سینمایی چه نقشی می‌تواند در معرفی و حمایت از استعدادهای نوظهور ایفا کند؟

ببینید، برخلاف تصور رایج، فیلم‌سازان جوان در ایران اتفاقاً حمایت قابل توجهی دریافت می‌کنند.



ماهنامه صبا سابقه‌ای چند ساله دارد و جای خودش را بین اهالی سینما باز کرده است، اما اگر قرار است مجله‌ای مانند «صبا» جدی گرفته شود، باید خودش هم به سراغ افراد جدی برود. باید در کنار نویسندگان و منتقدان جوان‌تر از نویسندگان دعوت به همکاری کند که هم عالم‌اند و هم سال‌های سال خاک نشریات را خورده‌اند

در دو دهه اخیر، شاید تنها گروهی که به‌طور مستمر از کمک‌های دولتی، بنیاد فارابی و بخش سینمای تجربی بهره‌مند بوده‌اند، همین فیلم‌سازان جوان بوده‌اند. از سال ۱۳۸۶ به این سو، چیزی به نام «سیاست جوان‌گرایی» در دستور کار قرار گرفت. آن زمان، اداره امور سینمایی تصمیم گرفت مسیر ورود نسل جدید به سینما را هموارتر کند. این اتفاق در ظاهر مثبت است. اما به‌شرطی که این فرآیند همراه با غربال‌گری و سنجش کیفیت باشد. مشکل اینجاست که در حالی که بازار ظرفیت اکران ۴۰ تا ۵۰ فیلم در سال را دارد، در همان بازه زمانی، بیش از ۷۰ فیلم‌ساز اولی وارد عرصه تولید می‌شوند. این یعنی بحران. یعنی نوعی بی‌توانی ساختاری به دلیل سیاست‌گذاری نادرست. در گذشته، ورود به سینما بسیار دشوارتر بود. فیلم‌ساز ابتدا باید چند سال شاگردی می‌کرد، تجربه می‌اندوخت و بعد تازه امکان ساخت فیلم اول را به دست می‌آورد. اما امروز چه؟ بدون هیچ سازوکار انتخابی یا ارزیابی جدی، با انبوهی از فیلم‌های ساخته‌شده مواجه‌ایم که حتی رنگ پرده را هم نمی‌بینند. چیزی حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ فیلم در انبارها مانده‌اند؛ چون عرضه و تقاضا به‌شدت ناماهنگ‌اند.

یعنی ورود آسان‌تر شده، اما ادامه مسیر و بقا دشوارتر از همیشه است؟

دقیقاً همین‌طور است. از بین صدها فیلم‌سازی که طی ۱۵ سال اخیر وارد سینمای ایران شده‌اند، چند نفرشان توانسته‌اند فیلم دوم یا سوم یا چهارم



پایتخت در سراسیمه تکرار
جدی‌باز از دست رفته
از شیرگاه تا تاجکستان
کم‌کشتی خانواده
معمولی در فصل هفتم
سرخ‌سریال‌ها:
از ترویج آموزه‌های دینی
تا طنز اجتماعی

امیر غفارمنش در نقد سریال‌های تلویزیونی: تلویزیون سرمایه‌سوزی می‌کند

بسازند؟ واقعاً انگشت‌شمارند. بسیاری صرفاً به دلیل فرصت‌طلبی بابر خورداری از منابع مالی وارد میدان شده‌اند، نه بر پایه استعداد. با پول یا رانت فیلم ساخته‌اند، و بعد دیگر هیچ. نه ادامه داده‌اند، نه کیفیتی عرضه کرده‌اند.

در چنین شرایطی، فیلم‌سازی که دغدغه‌مند است چطور می‌تواند در حرفه‌اش دوام بیاورد؟ راهی برای ادامه دارد؟

تجربه راه این است که بازی را بلد باشد. یعنی بداند چگونه از میان دندانه‌های سخت و فرساینده این چرخ‌دنده‌های صنعتی عبور کند. اما سؤال اصلی اینجاست: چرا اصلاً باید چنین باشد؟ چرا باید فیلم‌ساز به‌جای تمرکز بر خلاقیت، مدام از سدهای اداری عبور کند؟ سینما باید فضای طبیعی خود را داشته باشد. باید اجازه دهد که فیلم‌ساز مسیر خودش را طی کند، نه آن که با فهرست بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها مسیر او را محدود کنند. سینما، اگر رها باشد، خودش راهش را پیدا خواهد کرد. صدمه‌ها را تأکید می‌کنم که ماهنامه‌ها و مجلات سینمایی هم در تحقق این امر کم‌تأثیر نیستند.

پس شما معتقدید نگاه بر نامه‌ریزی شده و مدخله‌گر، نه تنها حمایتی ایجاد نکرده، بلکه به انسداد سینما منجر شده است؟

بله، دقیقاً همین‌طور است. سینما مثل شهر بازی است؛ باید بگذارد مردم خودشان انتخاب کنند. فیلم‌ساز باید مستقیماً با مخاطب ارتباط برقرار کند، نه از میان فیلترهای متعدد. اما اکنون، فضای سینمایی ما محدود به دو گونه فیلم شد: یکی کم‌دی‌هایی که صرفاً سالن‌ها را پر می‌کنند، و دیگری درام‌هایی که به‌ظاهر اجتماعی‌اند، اما در واقع تولیدات ارگانی‌اند، نه آثار مردمی. این دیگر آن چیزی نیست که بشود نام سینما بر آن گذاشت. مشکل هم زمانی اوج گرفت که تصمیم گرفتند بنیاد سینمایی فارابی فقط از آنچه خودشان «فیلم فاخر» می‌نامیدند حمایت کند. در عمل، این تصمیم به معنای پهن شدن سفره‌ای برای گروهی خاص بود و سایرین عملاً به حاشیه رانده شدند. در آن دوران، فیلم‌ساز باید یا سرمایه شخصی می‌آورد یا متوسل به سرمایه‌دارانی می‌شد که اغلب هیچ شناختی از سینما نداشتند. تهیه‌کننده به‌جای ارزیابی فیلم‌نامه و محتوای اثر، صرفاً بر انتخاب بازیگر و ترکیب چهره‌ها متمرکز بود. مثلاً می‌گفت این نقش را فلان بازیگر بگیرد، صرف‌نظر از مناسبیتش با شخصیت و روایت. کار به جایی رسید که حتی فیلم‌نامه نیز به کارگردان تحمیل می‌شد. من فیلم‌ساز وقتی به کار فارابی مراجعه می‌کردم، می‌گفتند فیلم‌نامه‌ات در اولویت نیست. تهیه‌کننده هم می‌آمد و همین را تکرار می‌کرد. یعنی عملاً امکان تولید یک فیلم جدی از ابتدا تا انتها از بین رفته بود. در چنین شرایطی دیگر مسئله خلق هنری مطرح نیست؛ مسئله، تقسیم منافع و پیشبرد پروژه‌های سفارش‌محور است.

با توجه به تاکید بسیار زیاد شما بر مجلات و